



12 فبروری 2025

داکتر سید عبدالله کاظم

"اژدهای خودی" - اثر همیشه ماندگار پوهاند داکتر بهاء الدین مجروح

(قسمت اول)

امروز مصادف است با سی و ششمین سالگرد شهادت پوهاند داکتر سید بهاء الدین مجروح - یکی از دانشمندان بی بدیل افغان، یکی از استادان نخبه پوهنتون کابل و یکی از شخصیت‌های مبارز و صاحب اندیشه که آثار گرانبهای علمی او از جمله کتاب پرمحتوای "اژدهای خودی" (خُنخانی شامار) که تاحال درسه زبان مهم جهان و در انگلیسی The Dragon of Self ترجمه شده و واقعاً یکی از آثار بی نظیر و ماندگار فلسفی و ادبی معاصر در زبان دری محسوب میشود.

با دوستی که از سالها قبل با استاد شهید داشتیم، از شخصیت پرمایه و عالی اوبه مناسبت روز شهادتش در میدیای هجرت یادآور شده و بر کارهای مهم سیاسی و علمی او مطالبی تقدیم داشته ام. امروز باز هم در همین مورد می‌خواهم راجع به اثر ماندگار آن شهید "اژدهای خودی" نقد وزینی را که توسط دو دانشمند هموطن، از جمله یکی هم از دبیرات مشهور، شاعر و ادیب توانای کشور مرحوم استاد عبدالرحمن پژواک نوشته شده و آن بذات خود یک این اثر بی بدیل و با ارزش ادبی و فلسفی است، در اینجا بگنجانم. اما قبل از آن چون سخن از شهادت استاد مجروح در میان آمد، بهتر خواهد بود مختصری درباره زندگی نامه او و انگیزه شهادتش خدمت تقدیم دارم: (عکس پدر و پسر)



پوهاند داکتر بهاء الدین مجروح پسر ارشد بزرگوار جناب سید شمس الدین مجروح (شخصیت سرشناس کشور) بروز 22 دلو 1307 ش - مطابق 12 فبروری 1929 م - در قریه "شینگورک" ولایت کنر چشم به جهان گشود و بتاریخ 11 دلو 1367 ش - مطابق 21 فبروری 1989 م - درست یک روز قبل از سالگرد 60 سالگی تولدش بدست های نا پاک دشمنان وطن در شهر پشاور بطور مظلومانه جام شهادت نوشید. خدای بزرگ روح این شخصیت نامدار علمی کشور را شاد و قرین رحمت خود داشته و یادش گرامی بادا.

استاد شهید پوهاند مجروح در ده سالگی با پدر خود از قریه شینگورک ولایت کنر به کابل آمد و شامل لیسه استقلال گردید. در 1952 بعد از فراغت از آن لیسه جهت تحصیلات عالی به فرانسه اعزام شد و در رشته "فلسفه و روانشناسی" سند فوق لیسانس را بدست آورد؛ در 1958 به وطن برگشت و در پوهنهی ادبیات پوهنتون کابل به حیث استاد مقرر گردید. پوهاند مجروح بین سالهای 1963 و 1964 به حیث والی ولایت کاپیسا و بعداً بین سالهای 1965 تا 1968 به سمت آمر کلتوری افغانی در شهر "مونشن" آلمان مقرر شد و در همین مدت موفق به اخذ درجه دکتورا در رشته فلسفه از پوهنتون "مون پلیه" فرانسه گردید. پس از برگشت به وطن از 1969 تا 1972 به حیث رئیس پوهنهی ادبیات و علوم بشری پوهنتون کابل انتخاب شد.

د پانو شمیره: له 1 تر 7

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پاڼوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

در اثر تصادم موثر در سال 1970 یک پای استاد صدمه دید و از آن به بعد همیشه به کمک عصا به آهستگی قدم می برداشت. از 1972 تا 1973 ریاست انجمن تاریخ را به عهده گرفت و بعداً تا 1980 مجدداً برای تدریس به پوهنخی ادبیات برگشت و به حیث آمر دیپارتمنت فلسفه ایفای خدمت کرد. پس از کودتای منحوس ثور او مثل سائر هموطنان در سال 1980 به پاکستان مهاجر شد و تا روز شهادت (11 فبروری 1989) در آن کشور سکونت اختیار کرد.

پوهاند مجروح در شروع مهاجرت به پاکستان به تأسیس یک مرکز خبرگزاری بنام "مرکز اطلاعات افغان" (Afghan Information Center- AIC) اقدام کرد و به نشر اخبار جهاد و مطالب مربوط به اوضاع افغانستان پرداخت که بطور منظم هر ماه به زبان انگلیسی و فرانسوی به نشر میرسید. گفته میشود که ابتداء دفتر مرکزی آن در پاریس بود و پوهاند مجروح با حمایت جبهه نجات ملی (منسوب به حضرت صبغت الله مجددی) به حیث سرپرست نمایندگی آن در پشاور کار میکرد. بعد از مدتی مرکز در پاریس نسبت مشکلات مالی مسدود گردید و اما پوهاند مجروح بطور مستقل کار مرکز را در پشاور ادامه داد. به زودی این مرکز به حیث یک منبع خبری قابل اعتماد، مورد توجه رسانه های بین المللی قرار گرفت و آنها اکثر گزارشات خود را به اتکای همین منبع تهیه میکردند.

در اواسط 1987 پس از آنکه دهمین دور مذاکرات ژنیوا در مورد خروج قوای شوروی از افغانستان به پایان رسید و در 20 جولای آن سال داکتر نجیب به مسکو سفر کرد و با میخائیل گورباچف دیدار نمود و در این دیدار آگاه شد که شوروی عزم دارد قوای خود را از افغانستان تا یک سال دیگر خارج کند، بحث های داغ در مورد آینده افغانستان و مسئله زعامت در داخل کشور و نیز بین گروپ های مختلف مجاهدین در پاکستان در جریان افتاد. در این میان نقش پادشاه سابق اعلیحضرت محمد ظاهر شاه نیز از طرف یک تعداد و بخصوص از افغانهای مهاجر در پاکستان و نیز از طرف داکتر نجیب مطرح شد و عکس العمل های جدی را بین گروپ های مجاهدین مقیم پاکستان بخصوص تنظیم های افراطی به وجود آورد که البته شرح مزید آن از حوصله این نوشته بدور است.

مختصر نظر سنجی:

در همین فضای پر از ابهام و سرنوشت ساز پوهاند مجروح به کمک یک تعداد از همکاران و محققان افغان تصمیم گرفت که یک عملیه نظر سنجی را به راه اندازد تا معلوم نماید که نظر مردم به کدام سو متمایل است. نشریه "افغان نیوز" منتشره نیویارک در شماره 20 ماه سپتمبر 1987 متن مکمل این نظر سنجی را تحت عنوان "پادشاه مورد قبول 71 فیصد افغانها" (King is OK with Afghans 71%) به چاپ رسانید که اینجانب متن مکمل آنرا از انگلیسی به دری ترجمه کرده و بتاريخ 9 نوامبر 2014 در این پورتال به نشر رسانیدم که مختصر آن چنین است:

در مقدمه نظر سنجی آمده است: «از شروع 1987 بخصوص بعد از آنکه مسکو مبنی بر حل احتمالی معضله افغانستان اشاره کرد و به تأسی از آن رژیم کابل پیشنهاد آتش بس یک جانبه و موضوع "آشتی ملی" را ارائه نمود، مهاجرین افغان و مجاهدین توجه خود را بیشتر به مسائل سیاسی معطوف کردند. در این ارتباط تجمعات بزرگ در کمپ های مهاجرین دائر گردید و اما رهبران سیاسی با انتشار اعلامیه ها با پیشنهاد رژیم کابل مخالفت کردند. سؤال اساسی که به شدت مطرح بود و هنوز است، همانا تشکیل یک مرکز واحد سیاسی قدرت بین گروپهای مقاومت بود که آیا این مرکز میتواند یک بدیل برای رژیم کابل و حکومت ملی برای آینده و دست کم برای یک دوره انتقالی محسوب گردد و آیا ممکن است که این بدیل مورد قبول اکثریت مردم افغانستان قرار گیرد؟ ما در مرکز اطلاعات آرزو مند هستیم که بدانیم که اکثریت مهاجرین و مجاهدین چگونه در مورد مشکلات سیاسی می اندیشند، لذا از 15 جنوری الی 17 جولای 1987 مرکز اطلاعات یک سروی عمومی را در کمپ های مختلف مهاجرین در پاکستان انجام داد. این کار در نوع خود اولین اقدام بود

د پانو شمیره: له 2 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
پاډونه: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

و اما ایجاب میکند که بار دوم و سوم اینکار در داخل افغانستان و در بین افغانهای مهاجر در ایران انجام یابد.... با وجود این مشکل باز هم توانستیم نتایج مهم را بدست آوریم.»
وظیفه سروی تیم مرکز اطلاعات افغان آن بود تا در مورد سؤال های ذیل عکس العمل افغانهای مهاجر را بداند:

- 1 - آیا میخواهید به افغانستان برگشت کنید؟ در صورت بلی، تحت کدام شرایط؟
- 2 - آیا شما پیشنهاد آتش بس رژیم کابل را قبول دارید و یا آنرا رد می کنید؟
- 3 - آیا شما پالیسی آشتی ملی را که داکتر نجیب ارائه کرده است، قبول دارید و یا رد میکنید؟
- 4 - کی را میخواهید که رهبر ملی افغانستان باشد؟

به تعداد بیش از سه ملیون مهاجر افغان در 249 کمپ در پاکستان زندگی میکنند.
تعداد کمپ هائیکه تیم مرکز اطلاعات افغان از آن دیدن کرده اند: در ایالت شمال غربی 54، در بلوچستان 8، در چترال 17 و در وزیرستان جنوبی و شمالی 27 جمعاً 106 کمپ. تعداد کسانیکه مصاحبه کرده اند برطبق پیوند های مختلف شان: مصاحبه شونده های مرد 2287 نفر که از جمله در سروی از اظهارت 2000 نفر استفاده گردیده است. به ارتباط محل اصلی سکونت: تعداد کسانیکه از 23 ولایت از جمله 28 ولایت افغانستان مصاحبه شده اند.
نتایج حاصله از این نظر سنجی چنین بود:

در مورد سه سؤال اول جوابها یک سان بود و همه گفتند که: «ما میخواهیم به وطن برگشت کنیم، در صورتیکه عساکر روسی در افغانستان نباشند و رژیم کمونیستی در کابل از بین برود»، آتش بس رژیم کابل و پالیسی آشتی ملی نجیب را رد میکنیم و حتی یکنفر هم در این مورد نظر دیگر بیان نکرد.

در جواب به سؤال چهارم راجع به رهبری سیاسی جوابها از اینقرار بود:

- پادشاه سابق محمد ظاهر شاه 1433 نفر (71.65%)،
- دولت خالص اسلامی 250 نفر (12.50%)،
- هر شخص مسلمان و افغان 206 نفر (10.30%)،
- یکی از قوماندانهای مقاومت: مسعود، عبدالحق، فرید، حقانی همه بطور کل 35 نفر (1.75%)،
- رهبران سازمانهای سیاسی: پیر گیلانی، مولوی نبی، پروفیسور مجددی، انجنیر حکمتیار، و همه بطور کل 9 نفر (0.45%)،
- اجتناب از ابراز نظر 67 نفر (3.35%)

تعداد زنانیکه مصاحبه شدند: 155 نفر از ولایات مختلف کشور و جواب شان چنین بود:
در باره سه سؤال اول راجع به برگشت به وطن، آتش بس و پالیسی آشتی ملی پیشنهاد کابل عین جواب ها مثل مردها بود؛ در مورد سؤال چهارم رهبری سیاسی جواب زنان از اینقرار بود:

- ظاهر شاه 78 نفر (50.33%)، - یک رهبر مسلمان و افغان 55 نفر (35.48%)، - پروفیسور ربانی 8 نفر (5.16%)، - پیر گیلانی 6 نفر (3.87%)، - انجنیر حکمتیار 4 نفر (1.58%)، - مولوی نبی 2 نفر (1.29%)
- و- پروفیسور مجددی 2 نفر (1.29%) . (پایان نتایج حاصله نظر سنجی)

عکس العمل تنظیمهای افراطی در برابر این نظر سنجی:

نتیجه این سروی چکشی بود که سخت برفرق تنظیمها کوبیده شد، چنانکه اکثریت قاطع مصاحبه شوندهگان به طرفداری پادشاه سابق به حیث رهبر سیاسی آینده افغانستان ابراز نظر کردند (71.65%) و سهم قوماندانهای جهادی به 1.75% و رهبران تنظیمی به 0.45% در پایانترین سطح قرار گرفت و حتی یک تعداد حمایت خود را به هر شخصی که مسلمان و افغان باشد، بیشتر از رهبران تنظیمها بیان نمودند (10.30%).

نتایج این سروی در رسانه های بین المللی بازتاب وسیع یافت و در داخل کشور بین مردم نیز امیدواری برای آینده ایجاد کرد و حتی در بین مهاجرین افغان در پاکستان یک حرکت وسیع به نفع شاه سابق به راه افتاد و تعدادی از مهاجرین افغان در کمپ ها با برگزاری تجمعات بزرگ از آن استقبال کردند. به هر اندازه که امیدواری مردم در زمینه برگشت شاه سابق زیادتر می شد، به همان اندازه احساس ناامیدی و ناکامی رهبران تنظیمی به خصوص سه تنظیم افراتی بیشتر و بیشتر میگردید، تا جائیکه عده ای از این رهبران علناً در برابر شاه سابق موقف جدی گرفتند و در جراید و مصاحبه های رسمی به او ناخندند.

جریده "شهادت" ارگان نشراتی حزب اسلامی افغانستان (مربوط به حکمتیار) سالها قبل از این سروی در شماره 37 مورخ 31 اسد 1360 (22 آگست 1981) در سرمقاله خود در صفحه اول شرحی مبسوطی در مخالفت با شاه سابق به نشر رسانید که در عنوان آن با خط بسیار درشت نوشت: «ما به پیشنهاد ظاهر شاه مبنی بر بازگشتش به افغانستان به صفت یک جانی دست بسته برای محاکمه موافقه داریم، نه برای قیادت» و در ذیل آن علاوه کرد که: «باند های کمونیستی خلق و پرچم درآغوش ظاهرشاه رشد یافت و ببرک ظاهرشاه را از مترقی ترین شاهان جهان در شرق میدانست.» (این شماره شهادت به حیث سند نزد نویسنده موجود است).

استاد سیاف نیز دریکی از مصاحبه های خود گفت: «اگر ظاهرشاه می آید، باید با چشمان سرمه کرده بیاید!» این گفته تشبیهی است به یک گوسفند قربانی که در قدیم ها بین بعضی ها معمول بود که قبل از ذبح چشمان گوسفند را سرمه می کشیدند و در دهنش قند می گذاشتند.

علاوتاً استاد برهان الدین ربانی حینیکه در اواخر 1988 به امریکا سفر کرد و در شهر لاس انجلس در حضور جم غفیری از افغانها به ایراد بیانیه پرداخت و به بعضی سؤالات جواب گفت، در مورد شاه سابق چنین ابراز نظر کرد: «پادشاه سابق افغانستان آنقدر یک عنصر بی رنج است که بعد چهل سال حکومت وقتی که ملت خود را دید که در بین خون غرق است، اما او آنقدر یک تماشاچی بی غرض بود که در چندین سال که گذشت حتی به حیث یک افغان روزی نرفت در خانه یک شهید که به روح آن شهید دعا کند من فکر میکنم که دور از انصاف خواهد بود اگر چنین پاداشی را که بعد از چهل سال سلطنت هیچ در غم ملت خود نبوده است، باز بفرق ملت یک چنین عنصر بی درد و بی احساس را سوار کنیم...» (متن مکمل این بیانیه در جریده "قلم در خدمت جهاد" منتشره جنوب کالیفورنیا به مدیریت صفی الله ثبات، شماره 14 و 15، جنوری 1989 به نشر رسیده که مجله نزد نویسنده موجود است)

نتایج حاصله از نظر سنجی - انگیزه اصلی شهادت مجروح:

به این اساس دیده میشود که هریک از تنظیمهای افراتی در پشاور نشر سروی یا نظر سنجی منتشره مرکز اطلاعات افغان را که زیر نظر پوهاند مجروح تهیه و به نشر رسیده بود، یک ضربه محکم به موقف خود دانسته و در برابر پوهاند مجروح شدیداً عقده گرفتند. با اوج گرفتن هرچه بیشتر این همه ها، طاقت و تحمل تنظیمهای مخالف بسر رسید و دیگر تحمل آنرا داشتند، لذا یکی از آنها به احتمال بسیار در تبنای با دستگاه مخوف آی اس آی دست به انجام کاری نامردانه برد و تصمیم به شهادت یک دانشمند نامدار وطن گرفت و همان بود که مامور بی وجدانی را وظیفه داد تا شمع عمر پر بار یک مبارز و یک مجاهد واقعی را پس از گذشت یک سال پنج ماه از نشر این نظر سنجی که توأم با عکس العمل هایی برله و بر علیه شاه سابق در پاکستان براه افتاده بود، با فیر گلوله خاموش کند و او را به مقام رفیع شهادت نایل سازد. شایعات آنوقت میرساند که اینکار از طرف دار و دسته حزب اسلامی حکمتیار صورت گرفته است و الله اعلم بالصواب.

د پانو شمیره: له 4 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوای. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

پوهاند سید بهاء‌الدین مجروح یگانه شهید راه خدمت به وطن و مردم خود نیست، بلکه مثل او شخصیت‌های دیگر نیز که هریک دارای جایگاه شایسته و عالی ملی بودند، از دست حریصان قدرت به این سرنوشت گرفتار شدند که یادشان گرامی، روح همه‌شان شاد و جنت فردوس جایگاه‌شان بادا!

شهید مجروح با قریحه شعری که داشت بر علاوه سرودن اشعار اجتماعی - فلسفی در زبانهای پشتو و دری، آثار مهم علمی و تحقیقی با ارزش ذیل را از خود بجا گذاشته است:

- "دیالکتیک جبر و فشار" - (تیزس دکترا به زبان فرانسوی)،
- "اژدهای خودی" - اثر بی نظیر و یک شهکار ادبی: در چهار دفتر: دفتر اول و دوم در سال 1352 به نشر رسید، دفتر سوم در طول سالهای رژیم کمونیستی از بین رفت و دفتر چهارم بعداً در پشاور چاپ شد،
- "پیام مادر"،
- "دشمن را بشناسید!"،
- "سرودهای نا آشنا"،
- "صوفی و دنیای نو"،
- "چنین گفت زردشت"،
- "بوده چنین گفت"،
- "سیدجمال‌الدین و برخورد شرق و غرب"

از عناوین فوق واضح میگردد که استاد مجروح یکی از دانشمندان مبارزی در ساحه شناسائی عقاید فلسفی شرق و غرب بود و یکی از محققان بزرگ در این ساحه محسوب میگردد.

+++++

نقدی از دانشمند گرامی محترم سیدحسین اشراق تحت عنوان:

مجروح، «اژدهای خودی» و مرکزیت زدایی از سوژه

3 حوت 1396، برگرفته از: وبسایت "آکادمی مجروح"

قلمه مات شی، بخته واورې
تندیه مات شی په تا څه لیکلي دینه؟

پروفیسور سید بهاء‌الدین مجروح را می توان پیشکسوتِ تفکر فلسفی در تاریخ معاصر افغانستان به شمار آورد. ایشان چهره قابل اعتنای جامعه ما در قلمرو اندیشه شناخته می شود. دسترسی او به حکمت مشرقی (مراد از حکمت مشرقی، حکمت اسلامی است که ابن سینا و شیخ اشراق به آن اشاره‌هایی داشته‌اند)، عرفان خراسانی، فلسفه غرب و ادبیات ملی و جهانی، برایش جایگاه ویژه بخشیده است. به همین جهت در کارنامه اش می توان ظرفیت نظریه پردازی فلسفی، نقد اجتماعی، اشعار پرمایه و اخلاق روشنفکری را مشاهده کرد، فضیلت‌هایی که موجب می شود از ایشان به عنوان اندیشمند فرزانه یادآوری شود.

مجروح در زمانی به سر می برد که فلسفه در افغانستان معاصر، در حال و هوای غریبی گام برمی داشت. از سویی، همسخنی خود را با حکمت دیرین اسلامی از دست داده بود، و از جانب دیگر، با گفتمان‌های فلسفی مدرن نیز در حال گفتگوی فعال و مؤثر قرار نداشت. بنابراین، ما جای پای ولو کوچک هم در امر فلسفه ورزی نداشتیم. به بیان دیگر، هنوز از قرار و دوام اندیشه فلسفی در افغانستان معاصر چندان خبری نبود.

بی‌تردید، سر بلند نمودن از میان این همه نابسامانی، توانایی و قابلیت می طلبد تا بدون لغزش در میان امواج مکتب‌های فکری تأثیرگذار، سخنی برای گفتن مطرح می گردید و روند منطقی گفتگو میان میراث

د پانو شمیره: له 5 تر 7

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلئ. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

فرهنگی ما و تجربه های مدرن دیگران در پیش گرفته می شد، این کار را مجروح به عنوان "رمز آشنای فرهنگ خاور و باختر" (۱) به خوبی انجام داده است. "اژدهای خودی" او، گویی میان "عقل سرخ" سهروردی و "پدیدارشناسی روح" هگل، نوعی رابطه بوجود آورده و به موازات آن گفتمان روشنفکری متناسب با مقتضیات ملی و تحولات جهانی را وارد ادبیات فلسفی و سیاسی جامعه نموده است.

مجروح را نه تنها در افغانستان که در منطقه نیز می توان از پیشگامان تفکرات فلسفی به شمار آورد، چنانچه او پیش از اینکه آقای حمید عنایت بخشی از "پدیدار شناسی روح" هگل (دیالکتیک خدایگان و بنده) را در تهران ترجمه کند، تحت نام "دیالکتیک بادار و غلام" در کابل برگردان نموده بود.

مجروح را تحلیلگران از میان آثار گوناگون فلسفی، ادبی و عرفانی او، با اثر بلندآوازه اش "اژدهای خودی" بیشتر می شناسند، "اژدهای خودی" که داستان مقاوت یا "بغاوت" (در برابر قدرت را به زبان فاخر رمز آگین و تمثیلی حکایت می کند و فراتر از مرزهای ملی و منطقوی، حوزه های فکری غرب را نیز در نور دیده و به زبان های فرانسوی انگلیسی و روسی نیز ترجمه شده است.

محتوای "اژدهای خودی" را جستجوی حقیقت و مقاومت در برابر قدرت تشکیل می دهد، او برای رسیدن به این مزیت مرزهای نگرش متداول را پشت سر گذاشته و با یاری "رهگذر نیمه شب" که نمادی از جستجوی اندیشمندانه اما سرشار از مخاطره است، راه گذر از شبستان را در پیش گرفته بود. ایشان با بهره گیری از نشانه شب، از وضعیت ناهنجاری سخن گفته است که خود و جامعه اش در متن آن قرار داشته و از آن رنج برده اند. او در این اثر ندای بلند بیرون شدن از فضای تیره گون مدینه را سر می دهد که گرفتار غرور اژدهای خودی است. ایشان در "اژدهای خودی" در قالب سفری، ضرورت گذار از حاکمیت ایگوی خود شیفته" (۳) و "شعور خودپرست" (۴) در مسیر روشنایی و عقلانیت بین الاذهانی را مفهوم سازی می کند و از دستیابی به راز رهایی برای رسیدن به چشمه نیکویی سخن می گوید، سفری که تعامل مبتنی بر "رج گذاری" یکدیگر غایت قصوای آن را می سازد و مرکزیت زدایی از سوژه، رکن رکن فضای فرهنگی آن به شمار می رود، به همین جهت او به مقوله سارتری "وجود لغیره" چشم دارد و به عنوان بدیل در برابر "اژدهای خودی" مطرح می کند، همچنان برخلاف کوگیتوی دکارت که مدعی بود: "من فکر می کنم پس هستم" (۵) به سوی مقوله "بازشناسی دوسویه" در نظریه هگل تمایل نشان می دهد و جستار بیناسوژگانی او "من در حکم ما و ما در حکم من" (۶) را مهم می انگارد.

"مجروح"، با همراهی "رهگذر نیمه شب" در جریان سفر پر رنج و جستجوگرانه، می خواهد در برابر پدیده استبداد خودی سد واقع شود و در مواجهه با "من مطلق" مانع از خواسته او (در خود و برای خود) شود، زیرا در این صورت میل سیری ناپذیرش برای بلعیدن همه چیز فاجعه می آفریند، فرایندی که گویی در هر مرحله در عین فرجه تر شدن، گرسنه تر نیز می شود و به چیزی کمتر از بلعیدن هر آنچه بیرون مانده، هر آنچه کُلیت اش را تهدید می کند، رضایت نمی دهد: یعنی همه چیز.

برای مجروح بحث احترام به "دیگری" اهمیت اساسی داشته است، به همین جهت خطر اژدهای خودی را جدی می گیرد و در پی آن بود که بفهماند: اگر انسان با داستان خود این اژدها را پرورش بدهد، سرانجام تحت سیطره او نیز قرار می گیرد، سیطره که دیالکتیک "خود" و "دیگری" را به رسمیت نمی شناسد و یکسره حفظ خود و حذف دیگری را در قالب "تمامیت طلبی" عینیت می بخشد.

"رهگذر نیمه شب" مجروح، در حقیقت همان "آگاهی" است که از واقعیت دردناک اژدهای خودی باخبر می شود و تلاش می ورزد تا دیگران یعنی جامعه و مردم را نیز بیدار نماید. اما این مسئله جنبه تراژیک نیز دارد، به این معنا که ساکنان بی خبر شهر از سر "غفلت"، منطق "رهگذر نیمه شب" را با اسطوره های خویش برابر نمی انگارند و هشدارش را جدی نمی گیرند.

"مجروح" با استفاده از زبان رمزی نشان می دهد که در جوامع توسعه نیافته و سنت زده، منتقدان اجتماعی و روشنفکران درد آشنا که ندای مقاومت اخلاقی در برابر قدرت و "خروج از نابالغی" (۷) را سر می دهند، همانند "رهگذر نیمه شب" اش، به جهت ناهمانندی با آنها چه قدر غریبه و ماجراجو شناخته می شوند.

"اژدهای خودی" در واقع حکایت حقیقت جویی و منش انتقادی خود "مجروح" است که مانند "رهگذر نیمه شب" قد بر می افرازد و تلاش می نماید تا با مشعل آگاهی مسیر مردم را روشن نماید و پرچم آزادی آنها را برافراشته نگهدارد، او با این جسارت روشنفکرانه راه پر خطری را برمی گزیند و مورد خشم هیولا قرار می گیرد، هیولایی که در "جهنم اوهام خویش به سر می برد" (۸) و تجسم عینی از خشونت و جهل و خود خواهی است.

درد مجروح با اشغال کشور بواسطه ارتش سرخ فزونی می گیرد، اما رنج دانایی او زمانی به اوج می رسد که مجبور به ترک زادبوم و دیارش می شود. او بار دیگر پناه گاه معنوی خودش را برپا می کند و مشعل دیگری را برای تنویر راه مردمان خویش روشن می نماید، این بار او با تهدیدی از نوع دیگر اژدها روبرو می شود: "دگماتیزم". ایشان نه هر اسید و نه مثابه پارسای رهیده از هوی، خطر جدید را نیز به جان خرید و پنجه در پنجه دگماتیزم مقدس نما انداخت. او دگماتیزم "گزافه گرا" (۹) را که همچون "ایگو"ی خود شیفته (۱۰) به جز از نوشیدن خون خوبان هنر دیگری نداشت، آشفته کرده بود، به همین جهت هیولا خشم اش را مبنا قرار داده و برای تحقق رؤیا های "خودمرکزپندارانه" خویش جهت اغوای توده ها با عمامه ریا بر سر، مجروح را طعمه خود ساخت و خون اش را بر زمین ریخت.

با شهادت مظلومانه پروفیسور مجروح سفر نیمه شب اش ناتمام ماند، اما راه اش ادامه دارد و شعله فرزاندگی، خردورزی و نقد اجتماعی هرگز به خاموشی نخواهد گرایید. حیف شد که او رفت، اما با خون خود نوشت:

خوشم هر نفس، گر مرا ســـــر رَوَد
که از شعله ام، بزم، روشن شود (مشرقی) ۱۱

منابع:

1. خلیلی خلیل الله، نامه به سید بهاء الدین مجروح- ۱۳۶۱، ویبسایت آریانا افغانستان ۱۲ فبروری ۲۰۱۶
2. مجروح سید بهاء الدین، خانخانی بنامار، کابل، د ادبیاتو او بشری علومو پوهنځی؛ ۱۳۵۶ ص/۷
3. همان. ص ۶/
4. پژواک عبدالرحمن، سخنی چند راجع به اژدهای خودی، ویبسایت آریانا افغانستان، ۱۳ فبروری ۲۰۱۶
5. تودوروف تزوتان، منطق گفتگویی میخائیل باختین، ترجمه داریوش کریمی، چاپ سوم، تهران، نشر مرکز؛ ۱۳۹۳ ص ۱۵۱
6. هگل و. ف، پدیدار شناسی جان، ترجمه ترجمه باقر پرهام، تهران، انتشارات کندوکاو؛ ص ۲۴۱/
7. کانت ایمانوئل، روشنگری چیست، ترجمه سیروس آرین پور [در کهن، لارنس، از مدرنیسم تا پست مدرنیسم]، ویراستار عبدالکریم رشیدیان، تهران، نشر نی؛ ۱۳۸۱ ص ۵۱.
8. مجروح سید بهاء الدین، خانخانی بنامار، همان. ص ۵۹/
9. مجروح سید بهاء الدین، روشنفکران افغان در تبعید: رخ ها و زاویه های فلسفی و روانی ۲۰۰۸
www.dw.com/fa-af
10. مجروح سید بهاء الدین، خانخانی بنامار، همان. ص ۵۶/
11. مجروح سید بهاء الدین، روشنفکران افغان در تبعید: رخ ها و زاویه های فلسفی و روانی، همان.

(ادامه دارد: "یادداشتی بر اژدهای خود" - بقلم استاد عبدالرحمن پژواک در قسمت بعدی این نوشته)

د پانو شمیره: له 7 تر7

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ